

روز ۳۱ خرداد ۶۰، دکتر «مصطفی چمران» در کشاکش دفاع‌مقدس، در جبهه دهلاویه به شهادت رسید. مصطفی چمران سال ۱۳۱۱ ش در قم متولد شد. مقطع ابتدایی را در مدرسه انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های دارالفنون و البرز گذراند. سپس سال ۳۲ به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در رشته مهندسی برق مشغول تحصیل شد و سال ۳۶ فارغ‌التحصیل شد. چمران در این سال‌ها درس ریاضی را تدریس می‌کرد و از این راه امرار معاش نیز می‌کرد؛ از ۱۵ سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت‌الله «طالقانی» حاضر می‌شد. در دوره دانشجویی نیز در جلسات درس فلسفه و منطق استاد شهید «مرتضی مطهری» شرکت می‌جست و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. چمران در تظاهرات‌های متعددی که علیه رژیم شاه در حوادث سال ۲۲ برگزار می‌شد و به کودتای ۲۸ مرداد منجر شد، شرکت داشت. در جریان حادثه ۱۶ آذر ۲۲ که مأموران شاه به دانشجویان معترض به ورود «یکسون» حمله کرده و ۳ نفر از آنان را به شهادت رساندند، چمران زخمی شد. مصطفی چمران پس از پایان دوره کارشناسی، برای ادامه تحصیل، با بورسیه راهی آمریکا شد و پس از پشت‌سر گذاردن دوره فوق‌لیسانس مهندسی برق در دانشگاه تگزاس برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه برکلی راه یافت. وی این دوره را نیز در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما (مهندسی گراف هسته‌ای) در مدت ۳ سال به پایان رساند. چمران در حین تحصیل، فعالیت‌های سیاسی نیز داشت و به دلیل مبارزات سیاسی‌اش علیه شاه، بورسیه تحصیلی او توسط ساواک قطع شد. او نقش موثری در ایجاد انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و سایر تشکل‌های اسلامی در آن کشور داشت. چمران پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲، برای فراگیری فنون جنگ‌های پارتیزانی جهت مبارزه مسلحانه با حکومت پهلوی راهی مصر شد. سفر وی به اعزام واحدهای فلسطینی به مصر جهت آموزش نظامی، همزمان بود. او رموز جنگ‌های چریکی را طی ۲ سال در مصر آموخت اما پس از درگذشت «جمال عبدالناصر»، به دعوت «لام موسی صدر» و همراه با سایر مبارزان ایرانی، پایگاه عملیاتی خود را به لبنان انتقال داد. چمران به جنوبی‌ترین نقطه

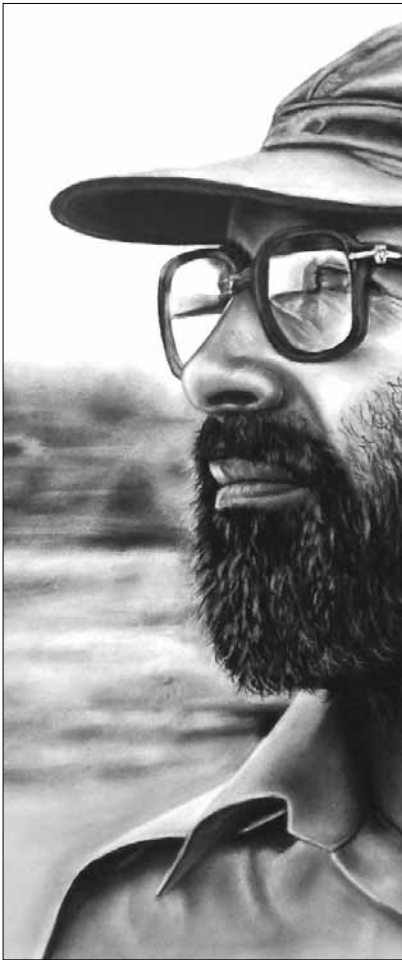
سید پرویز جلیلی کامجو؛ بیشتر مکاتب اقتصادی مانند نهاد گرایان، مکتب تاریخی، کمونیست‌ها و نوانو کلاسیک‌ها (تئولبرالیسم) معتقدند پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی را نمی‌توان به‌صورت مجزا مورد مطالعه قرار داد. در این بین، طرفداران مکتب تاریخی، سرسختانه معتقدند آداب و رسوم اجتماعی و شرایط خاص تاریخی کشورها بر قوانین و نهادهای اقتصادی اثرگذار خواهد بود. سیر تاریخی هر کشور و ملت بر نوع شکل‌گیری، کارکرد و تکامل نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر است. همین امر، اهمیت مطالعه اقتصاد از نقطه‌نظر تاریخی را دوچندان می‌کند. مطالعه تاریخی اقتصاد نیز به‌ناچار تحلیل اقتصاد را به سمت اقتصاد ملی هدایت می‌کند. ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، گرایش‌های مذهبی و سیر تاریخی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد ایران را به سمت یک اقتصاد ملی خاص هدایت می‌کند.
خاص به این جهت که این اقتصاد ملی باید دارای جهت‌گیری‌های مشخص اسلامی نیز باشد.

■ **اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد ملی است یا اقتصاد دینی؟**

اقتصاد مقاومتی تعی تفاوتی با اقتصاد مکتب تاریخی و اقتصاد کلاسیک (لیبرالیسم) دارد؟ هدف اقتصاد مقاومتی تقویت اقتصاد اسلامی یا تقویت اقتصاد ملی است؟ اوضاع اقتصادی-سیاسی ایران نشان می‌دهد اگر در چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی بین ۳ نوع تفکر اقتصاد ملی با تأکید بر تئوری‌های مکتب تاریخی، اقتصاد سرمایه‌داری با تأکید بر مکتب کلاسیک (لیبرالیسم) و اقتصاد دینی با تأکید بر اصول ادیان آسمانی بوزیه اسلام، برای جمهوری اسلامی ایران، مرزهای روشن و متمایز (نه به‌صورت شعار، بلکه در عمل) قائل نشویم، اقتصاد مقاومتی یک نوآوری غیر ضروری به نظر می‌رسد. اما در صورتی که آنچه در عمل اتفاق می‌افتد دیدگاه مشخص و متمایز و مخصوص جمهوری اسلامی ایران باشد و این تفکیک بتواند یک چارچوب اقتصاد سیاسی با توجه به نهادهای و بنیان‌های اجتماعی ایران اسلامی ایجاد کند، می‌توان نام این تفکر را الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت یا اقتصاد مقاومتی نهاد. به‌طوری‌که اوضاع کنونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران این نوآوری را بسیار ضروری و لازم می‌نماید اما مجددا تأکید می‌کنیم اقتصاد بیمار ایران نیاز به شعار و تکرار ندارد!

■ **تفاوت بین نظام بازار با نظام سرمایه‌داری**

در اینجا باید تأکید کنیم نباید نظام بازار و نظام سرمایه‌داری معادل هم تلقی شوند، بلکه اصل تخصیص بهینه که توسط بازار رقابت کامل انجام می‌گیرد (تخصیص نظام بازار)، یکی از چندین اصل



لوجگیری انقلاب اسلامی و زمانی که امام خمینی(ره) در پاریس بودند، خطاب به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نوشته است. این نامه آبان ۵۷ زمانی که جمعی از مبارزان ششیعه عضو جنبش امل لبنان به دیدار امام در فرانسه رفته بودند، نزد ایشان قرائت شد.

نامه: به آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی

تاریخ: آبان ۵۷

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

مرجع عالیقدر شیعیان جهان، حضرت آقای خمینی احسباس افتخار می‌کنم که بی‌برده و بلاواسطه احساس قلبی خود را با مرجع بزرگوار شیعیان در میان می‌گذارم.

انقلاب مقدس ایران به رهبری آن مرجع عالیقدر، آخرین مراحل تکاملی خود را می‌پیماید. وحشی‌گری و خودخواهی و خونخواری و ظلم و ستم شاه و دست‌نشاندهانش به حد اعلای خود رسیده است و در تاریخ کمتر نظیر داشته که ظالمی، با علم به اینکه همه ملت دشمن او هستند باز هم دست‌بردار نباشد و همه کشور را تئول خود بداند و همه مردم را برده بشمارد و دست چنگیز و هلاکو را نیز در ظلم و ستم از پشت ببیند. از طرف دیگر در تاریخ عالم کمتر دیده شده که ملتی اینچنین یکپارچه، با دست خالی، در مقابل تانک‌ها و مسلسل‌های شاه سینه سپر کند و مشتاقانه مرگ افتخارآمیز را بر زندگی ننگین ترجیح دهد و فریاد «هرگ بر شاه»-ش در زمین و آسمان طنین‌انداز شود و زن و مرد و کوچک و بزرگ، با یک شعار واحد و در یک کلمه قاطع، خواستار سرنگونی رژیم شوند. مسلماً تا یزید پیدا نشود، ارزش حسین(ع) ظاهر نمی‌شود؛ تا ظلم و فساد و جنایت دستنگاه پهلوی بروز نکنند، پایداری و فداکاری و حق‌طلبی مردم و قدرت و شجاعت و درایت رهبری آن روشن نمی‌شود. قیام حق‌طلبانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم، انقدر شجاعانه و فداکارانه است که دنیا را به تعجب انداخته و بیرون رانند آنان به داخل صبر و فداکاری رهبر این مبارزات، همه را خیره کرده و دوست و دشمن را وادار به احترام کرده است. روزگاری بود که شیعیان را توهین می‌کردند، خوار می‌شمردند، رافضی و کافر می‌دانستند، دست‌نشانده شاه و جاسوس اسرائیل می‌خواندند و از هیچ اهانتی فروگذار نمی‌کردند ولی اوج مبارزات خونین شیعیان ایران به رهبری آن مرجع بزرگ، همه موازین را عوض کرده است، حقانیت شیعه را به همه ثابت نموده و برای همه شیعیان جهان - حتی در دورترین نقطه- ایجاد احترام و غرور و افتخار کرده است. روزگاری بود که مارکسیست‌ها، انقلابیون جهان به شمار می‌رفتند و هر جوان دلسوخته‌ای برای مبارزه علیه استثمار و استعمار اجبارا به مکتب مارکسیسم پناه می‌برد، اسلام «افیون» اجتماع به شمار می‌رفت، روحانیان، مرتجع به حساب می‌آمدند. حتی یک جوان مسلمان از ابراز عقیده خود وحشت می‌کرد و صحنه تبلیغاتی و روشنفکری و انقلابی دنیا یکپارچه در دست مارکسیست‌ها و چپی‌ها بود و هر مؤمن مبارزی را بدون اینکه از فداکاری و جانبازی او ذکری به میان آید، به جرم ایمانش به خدا، می‌کوبیدند و به همه بدی‌ها متهم می‌کردند اما انقلاب عظیم و پرافتخار مسلمانان ایران، به برکت رهبری بی‌نظیر آن مرجع بزرگ، همه ارزش‌ها را واژگون کرد و همه مخالفین از شرق و غرب و حتی ملحدان در برابر عظمت این انقلاب اجبارا تعلیم کردند. در حال حاضر نه‌تنها کاخ ظلم و فساد پهلوی در ایران فرومی‌ریزد، بلکه پایه‌های همه نظام‌های فاسد و ارتجاعی منطقه نیز می‌لرزد و حتی نظام‌های به ظاهر انقلابی و پیشرو نیز

نگاهی به زندگی و زمانه شهید مصطفی چمران

محرك شیعیان لبنان و مدافع مرزهای ایران

■ احمد مسجدی ■

از پیروزی انقلاب اسلامی وحشت دارند، زیرا در صورت پیروزی چنین انقلابی، جایی از اعراب برای آنها باقی نمی‌ماند. به هر حال افتخار می‌کنم که در عصر جدید نیز، به پیروی از مکتب حسین(ع)، پرچم خونین شهادت به دست شیعیان برافراشته می‌شود و مفهوم حقیقی شهادت و فداکاری و پاکی و طهارت و عمق انقلابی توسط شیعیان «علی(ع)» به همه جهانیان نموده می‌شود. در حال حاضر احساس می‌کنم هر مسلمان حقیقی، با افتخار می‌تواند در برابر یک مارکسیست بایستد و از ایدئولوژی انقلابی خود دفاع کند و بویژه یک شیعه، مفتخر است که عمق انقلابی مکتب او و صلاحیت رهبری‌اش بر همه ثابت شده است. شیعیان لبنان پس از سال‌ها بدبختی و ذلت و توسری‌خوری، به همت و رهبری آقای صدر به خود آمدند و متحد شدند و برای کسب حقوق پامیال شده خود قیام کردند و موجودیت خود را به همه قبول‌اندند و برای اولین بار عقده حقارت را که بر نفوس همه شیعیان سطره داشت، شکستند و نهضتی اسلامی بر اساس افکار انقلابی شیعه به‌وجود آوردند. این نهضت به سرعت اوج گرفت و نیروهای موجود در منطقه، احزاب چپ و احزاب راست، همه به وحشت افتادند و هر ۲ طرف در کوبیدن این نهضت حقیقی اسلامی متحد شدند و در خلال ۳ سال گذشته، ضربه‌های سختی بر این نهضت زدند و جنایات ناگفتنی از قتل و دمار و تهمت و افترا بر شیعیان وارد آوردند که وجدان هر آدم باصفایی را به درد می‌آورد. من می‌دیدم که هر جوانی یا حزبی از پشتیبانی کشوری بزرگ (عربی و غیرعربی) برخوردار است، پول و اسلحه و امکانات دریافت می‌کند و از پشتیبانی سیاسی آن کشور‌ها استفاده می‌نماید، جز شیعه که در عالم هیچ پناهگاهی ندارد و ۲ قدرت بزرگ جهانی و همه نظام‌های موجود عربی با این نهضت اسلامی شیعی مخالفند و در نابودی و یسا تضعیف آن با هم همکاری می‌کنند. طبیعتا هر شیعه دل‌سوخته و رنج‌دیده لبنانی چشم امید به سوی ایران، تنها کشور شیعه جهان، می‌دوخت و انتظار کمک داشت اما رژیم ظالم و فاسد شاه، بیش از هر جناح دیگری از نهضت شیعیان لبنان وحشت داشت و در کوبیدن آن می‌کوشید و از هیچ جنایتی علیه شیعیان فروگذار نمی‌کرد. اکنون که به قدرت ایمان و اراده اهتین آن مرجع و فداکاری بی‌نظیر ملت ایران، رژیم شاه به شانه سقوط رسیده است، شیعیان لبنان آنچنان احساس غرور و شادی می‌کنند که حدی بر آن متصور نیست. شاید هر آزادی‌خواهی و بویژه هر مسلمان واقعی در هر نقطه از جهان از سقوط نظام فاسد شاه احساس لذت کند اما یک شیعه مصمیت‌رده و جنگ‌دیده لبنانی بیش از هر کس دیگری با نهضت انقلابی ایران احساس همبستگی می‌کند و با روح خود و قلب خود و همه وجود خود ارزش این انقلاب مقدس را درک می‌نماید و پیروزی هر چه زودتر آن را آرزو می‌کند. اکثر جوانان شیعه، شب و روز خود را با فکر انقلاب ایران و ذکر خمینی - رهبر عالیقدر - به سر می‌آورند، قلب‌بشان از شوق می‌تپد و روح‌شان به خاطر همکاری و حتی شهادت در راه این انقلاب به پرواز درمی‌آید. جوانان مؤمنی که مدت ۳ سال، به جرم داشتن ایدئولوژی اسلامی از طرف چپ و راست به سختی کوبیده شده‌اند و ناله دردمندشان در میان توفان ایفکات دروغ و تبلیغات زهرآگین و دشمنی‌ها و حقه‌ها و کینه‌ها محو شده است، اکنون در سایه انقلاب امیدبخش ایران نفسی راحت می‌کشند و عقده‌های دل دردمند خود را با کمک این انقلاب باز می‌کنند. عده زیادی از جوانان مؤمن و جانباز امل که فداکاری و ثبات خود را در جنگ‌های فراوان در مدت ۳ سال در محورهای

سه‌شنبه ۵ تیر ۱۳۹۷

مختلف در مقابل اسرائیل و کتابت نشان داده‌اند و در این راه شهادی فراوانی نیز تقدیم کرده‌اند، اکنون مشتاقانه آرزو می‌کنند به صفوف مجاهدان ایران بپیوندند و در راه این انقلاب مقدس به افتخار شهادت نایل آیند. متأسفانه شیعیان لبنان که روزگاری با غرور، زنجیرهای اسارت را پاره می‌کردند و همه دردها و رنج‌ها و مصیبت‌ها را در راه هدف خود تحمل می‌نمودند و شهادت را با آغوش باز استقبال می‌کردند، اکنون احساس می‌کنند یتیم شده‌اند. کسی که به آنها فکر و عقیده و افتخار و قدرت داده بود، به غدر و حيله رבוده شده است؛ مثل کشتی شکسته‌ای در میان توفان که به گرداب بلا یفتند و ناگاه کشتی‌بان نیز مفقود شود. ۲ هفته پیش، یکی از جنگندگان امل که بر اثر سقوط خمپاره‌ای کتایی در شیاح مجروح شده بود، در بیمارستان زهرا، زیر عمل جراحی بهبودش شده بود تا قطعه‌های آهن را از بدنش خارج کنند، در حالت اغما فریاد می‌زد: (خدایا! جان مرا بگیر و امام صدر را برگردان، من می‌خواهم بمیرم) و همه حقیقی‌امل از شدت تأثر گریه می‌کردند. . این فریاد استغاثه از قلوب کثیری از جوانان امل و شیعیان برمی‌خیزد و راستی که درانگیز و ناراحت‌کننده است! اتهام آن مرجع بزرگ برای آزادی آقای صدر، همان‌طور که انتظار می‌رفت، بیش از پیش مؤثر افتاده است. اگر از تأثیرات بزرگ آن بر قذافی و نظام‌های دیگر عربی بگذریم، شیعیان لبنان بار دیگر احساس می‌کنند تنها پشتیبان واقعی آنها و دوستدار مردم آن هستند. شریک درد و رنج آنها.. باز هم شیعیان ایران و رهبر آن می‌باشند؛ و براستی چه تأثیر نیکیوی و چه علاقه شدید معنوی و روحی و تاریخی بر آن مرتب است، من خود غمزده و دلشکستام ولی مجبورم در خلا موجود، جوانان مؤمنی را که کم و بیش به خط ما در حرکتند و با حرکت ما و رسالت ما آشنا شده‌اند و اکنون یتیم و دلشکسته‌اند، دلداری و امید بدهم و چقدر سخت است دلشکسته دردمند بخواده به دیگران روح امید بدهدا ولی بزرگ‌ترین امید و آرزوی من در این روزهای سخت که مرا به پا داشته و قوی کرده است، اوج انقلابی ملت ایران به رهبری آن مرجع بزرگ و احساس آزادی و نجات ایران از سیطره شوم استعمار و استبداد و نابودی ابدی رژیم سیاه شاه است که بزرگ‌ترین نقطه عطف تاریخ ایران به شمار می‌رود و در سایه این پیروزی و نجات، چه ساده می‌توان نظام‌های فاسد موجود را سرنگون کرد و حتی اسرائیل را را به پالمان تاریخ فرستاد. به آن امید نفس می‌کشم و به این امید زنده‌ام و آرزو می‌کنم روزی همراه با جنگندگان امل در راه این هدف مقدس به شرف شهادت نایل آیم. از خدای بزرگ می‌طلبم همه ما را هدایت کند و امکان دهد در راهش پروانه‌وار بسوزیم و قربانی شویم و این قربانی شدن را حیات واقعی بدانیم و همچنین از خدای بزرگ می‌طلبم آن مرجع عزیز را در این روزهای بحرانی و سخت به سلامت بدارد و ملت رنج‌دیده و بلازده ایران را در راه کمال توان بخشد و پیروز کند. دوستدار کوچک شما

		<div><div></div>مصطفی چمران</div>
		
منبع		
 - دکتر مصطفی چمران به روایت اسناد ساواک؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی		
 - یادنامه شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران، شرکت انتشارات قلم		
 - ماهنامه الکترونیکی «دوران»، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، شماره ۳، خرداد ۸۵		

■ ■ ■

ایران شدیداً تشنه آن است! در چارچوب نکت مطرح‌شده، اقتصاد مقاومتی باید به دنبال تقویت اخلاقی حرفه‌ای باشد. اخلاق حرفه‌ای اخلاقی است که مستمر، باثبات، متمرکز، هدفمند، سازگار، اختیاری، مبتنی بر عقایدت و نقش دین و رعایت این نوع اخلاق نیز عامل و نقض قانون باشد. چنین اخلاقی به‌عنوان یک نهاد نیرومند در جامعه‌ای رخ می‌دهد و شکل می‌گیرد که انباشت قابل توجهی از سرمایه اجتماعی را داشته باشد و رعایت این نوع اخلاق نیز عامل تقویت سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب، این گفته که وجود حداقلی از سرمایه اجتماعی شرط لازم برای اجرای نظام اقتصاد بازار است، قابل دفاع است و نقش دین و مذهب در این بخش بسیار قابل توجه و انکارناپذیر است. همچنین سرمایه اجتماعی از دو بُعد تقویت عقلانیت و کاهش هزینه مبادله، باعث افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی نیز خواهد شد.

■ **جمع‌بندی**

تغییر و تحول از عناصر اصلی زندگی بشری است و در هر عصری اثر گذار است و مطمئناً هیچ تفکری خالی از ایراد و اشکال نیست و اشکالات و ایرادات نیز می‌تواند به دلیل تغییر نهادهای موجود در جامعه و عدم انطباق تفکر با تغییرات انجام‌شده در نهادهای ایجاد شود. اما تفکری قابل احترام است و در هر عصری به‌عنوان تفکر برتر توسط اکثریت مردم انتخاب می‌شود که در عمل موفق‌تر از سایر نظام‌ها کارآمدتر است. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اقتصاد ملی، نیاز به تقویت سرمایه اجتماعی دارد تا در عمل نیز بتواند به موفقیت برسد. اقتصاد مقاومتی یک مفهوم اقتصاد سیاسی است تا یک مفهوم محض اقتصادی. اقتصاد مقاومتی باید به دنبال راه‌حل‌های اقتصاد سیاسی باشد تا در عمل و کاربرد نیز بتواند بر بحران‌های ایجادشده در عرصه اقتصاد سیاسی فائق آید و اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده‌نگری لازم نیز اتخاذ شده باشد. معنویات در این مسیر، باید اصول زیربنایی دقیقاً مشخص شوند و با اصول روبنایی سازگار باشند. در طول تاریخ، تفکرات اقتصاد ملی توسط طرفداران مکتب تاریخی و تفکرات اقتصاد مذهبی توسط طرفداران روش جامعه‌شناختی وبر، به صورت کاملاً علمی، بسط داده شده است و در عمل نیز مورد آزمون تجربی قرار گرفته و این تجربیات می‌تواند راهگشای برخی مشکلات اقتصاد ایران باشد.

■ **دانشجوی دکتری اقتصاد**
منبع:برهان

پیش‌نیازهای اقتصاد مقاومتی برای رسیدن به موفقیت چیست؟

روش‌شناسی اقتصاد مقاومتی در مقایسه با سایر تفکرات اقتصادی

(که خود با تغییر شیوه و روش تولید در حال تغییر است)
محفوظ به‌اند. لیست معتقد بود قوانین اقتصادی مکتب کلاسیک در قرن ۱۸ انگلستان، قابل تعمیم به قرن ۱۹ در آلمان نیست، زیرا نهادهای اجتماعی و سیاسی، آداب و رسوم و فرهنگ اقتصادی یک ملت به لحاظ زمانی و مکانی در حال تغییر است و نظام سرمایه‌داری به لحاظ فروض خاص خود، این ویژگی‌ها را در نظر نمی‌گیرد. فردریش لیست در مقابل تأکید کلاسیک‌ها بر مفهوم فرد به‌عنوان یک واحد اقتصادی، بر یک اقتصاد ملی با مفهوم ملت تأکید می‌کند. برای نیل به اقتصاد ملی، ابتدا باید ملیت و فرهنگ تاریخی هر کشوری مبنای نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اقتصادی قرار داده شود.
نتیاز این روش



سیاست‌گذاری اقتصادی است که می‌تواند در بالا بردن سطح رفاه اقتصادی جامعه با حفظ عقاید ملی، مفید و مؤثر باشد. فردریش لیست طرفدار تجارت آزاد است، اما سیاست حمایت از صنایع نوزاد را به‌منظور تقویت اقتصاد ملی، پیشنهاد می‌کند و البته او به‌هیچ‌وجه از انحصار حمایت نمی‌کند.

■ **اخلاق پروتستانی و اخلاق یهودی**

«هاکس وبر» مورخ، جامعه‌شناس و اقتصاددان برجسته آلمانی، تحقیقات گسترده و عمیقی درباره رابطه مذهب با پیشرفت اقتصادی انجام داده است. بر نقش اخلاقی پروتستانی را در توسعه اقتصادی نظام سرمایه‌داری مؤثر می‌داند.به عقیده وبر، حداکثر کردن منافع شخصی